



گفت‌وگوی صبا با عوامل فیلم سینمایی «بر که خاموش»

شعله لرزان استعداد و تندباد

شکلی بود که در بخش بین‌الملل مورد توجه قرار بگیرد. مخصوصاً که اسم اصلی فیلم هم ریکوئیتو بود، ریکوئیتو یکی از سازهای کوبه‌ای است که در خارج از کشور تعریف و شناخته شده است. بنابراین با اینکه بخاطر خارجی بودنش اجازه ندادند که این نام را بر فیلم بگذاریم و فیلم با نام «بر که خاموش» پروانه نمایش گرفت ما در بخش بین‌الملل با همین نام ریکوئیتو شرکت کردیم. اما با همین مقدار تمرکز روی بخش بین‌الملل هم فیلم توانست جوایز خوبی کسب کند و من فکر می‌کنم حتی می‌توانست بیش از این‌ها برایش اتفاق بیفتد.

آیا از ابتدا تصمیم به اکران فیلم در بخش هنر و تجربه داشتید؟

بر اساس سابقه سینمایی که داشتم می‌دانستم که این فیلم به همین سادگی بخش عمومی نخواهد گرفت، یعنی اینگونه نیست که اگر شما فیلمی را ساخته و پروانه نمایش را گرفتید می‌توانید فیلم را به اکران عمومی در بیاورید چرا که هم به باز یگر چهره نیاز دارید و هم به تهیه‌کننده‌ای که تهیه‌کننده سینمای بدنه باشد و این‌ها فاکتورهای مهم در زمینه اکران عمومی یک اثر هستند. زمانی هم که ما کار را آغاز کردیم یعنی در همان دوره کرونا بسیاری از بازیگران تمایلی به کار نداشتند، علاوه بر این قصه هم بسیار سخت بود و من هم از آنجایی که یک سینماگر مستقل بودم بودجه‌چندانی در دست نداشتم که بتوانم خیلی راحت از کسانی که می‌خواهم دعوت کنم بنابراین تصمیم گرفتم که بازیگران مخصوصاً بازیگر اصلی کار را از چهره‌های نوانتخاب کنم تا تماشاگر داخلی پس زمینه ذهنی نسبت به او نداشته باشد. همین مسئله سختی‌ها و چالش‌های زیادی داشت چون این بازیگران باید درباره نوازندگی و موسیقی هم می‌دانستند به همین علت خودم از ابتدا می‌دانستم که این فیلم نهایتاً می‌تواند در بخش هنر و تجربه اکران شود. البته یک نکته خیلی مهم و بزرگ در مورد «بر که خاموش» وجود دارد، اینکه فیلم به حالت تجربی ساخته نشده و مشخص است که فیلمساز

خیلی جذاب‌تر می‌بود اما در طول این سه چهار سال اخیر از آنجایی که اکثر افراد از همان نورها استفاده کردند دیگر به عنوان یک کار جدید یا نوآوری نمی‌توان به آن پرداخت و به نوعی می‌توان گفت که تاریخ مصرف برخی از چیزهایی گذرد. شما از تکنیک‌های جذابی برای جذب بیننده استفاده می‌کنید اما وقتی اثر در زمان خود اکران نشود دیگر آن تکنیک‌ها لورفته و بیننده‌ای که چندین بار با آن تکنیک‌ها روبرو شده دیگر آن جذابیت را نخواهد داشت و این مسئله حتی در مدل دکوپاژ، فیلمبرداری، روایت و قصه‌گویی هم صدق می‌کند.

این فیلم در بیش از سی لوکیشن و با حضور ۱۰۰ بازیگر کار شده که به نظر نکته قابل توجهی می‌آید.

از آنجایی که قصه اثر یک قصه بیوگرافی است و به یک مقطع چند ساله از زندگی این دختر می‌پردازد و طبیعتاً او کاراکترهای زیادی را در این مدت تا پایان قصه می‌بیند که به زندگی او می‌آیند و می‌روند. من سعی کردم تمام آدم‌هایی که در زندگی کاراکتر اصلی ولو به اندازه یک سکانس موثر بودند و می‌شد را در فیلم بیاورم. به خصوص از آنجایی که ما با بندهای (گروه‌های) مختلف موسیقی سر و کار داشتیم و هر بند حدود ۸ تا ۱۰ نفر بود خود این امر تعداد کاراکترها را بالا می‌برد. در نهایت با توجه به یکسری حذفیات طبیعتاً یک سری از لوکیشن‌ها را نمی‌بینیم و چون برخی کاراکترها حذف شدند و به واسطه همان کاراکتر حذف شده موقعیتشان را هم نمی‌بینیم اما با تمام این حرف‌ها مشخص است که فیلم پروداکت سنگینی داشته که با لوکیشن‌های متعدد، تایم کاری شبانه روزی و سختی‌هایی که ما در طول مدت فیلمبرداری به خاطر کرونا داشتیم همراه بود.

در مورد بخش بین‌الملل و جوایزی که فیلم کسب کرده بگویید.

با وجود اینکه ما انرژی زیادی برای بخش بین‌الملل نگذاشتیم و با وسواس و هزینه زیاد سراغ بخش بین‌الملل نرفتیم موضوع فیلم به

پس از جشنواره سینما حقیقت گروه سینمایی هنر و تجربه با فیلم «بر که خاموش» دور جدید اکران آثار مستقل و تجربی را آغاز کرده است. بهادر زمانی نویسنده و کارگردان «بر که خاموش» که پیش از این به عنوان بازیگر در فیلم سینمایی «رستاخیز» و سریال‌های «تنهایی لیلا»، «کرگدن»، «یاور»، «قطب شمال» و مجموعه در حال پخش «سوجان» به ایفای نقش پرداخته در این فیلم نیز با بازیگرانی مانند فرانیه کریمیان فر، مریم بوبانی، جواد بچیوی، یاور احمدی فر، امیر زمستانی و... همکاری کرده است. بر که خاموش به تهیه‌کنندگی محمدرضا نجاتیان و فریبا سادات خلیلی، مصائب زندگی دختر جوانی را بیان می‌کند که علاقه بسیار به نوازندگی دارد و با ورود به جهان موسیقی، زندگی‌اش دستخوش اتفاقات غیرمنتظره‌ای می‌شود. در ادامه گفت‌وگوی خبرنگار صبا با عوامل این فیلم را می‌خوانید.

بهادر زمانی، نویسنده و کارگردان:

موسیقی در تمام ادوار تاریخ برای انسان جذاب بوده

با توجه به اینکه خودتان نویسنده فیلمنامه اثر هستید در مورد ایده داستان فیلم بگویید.

ژانر اصلی فیلم بیوگرافی است اما از آنجایی که به شکلی تراژیک به پایان می‌رسد می‌تواند در ژانر تراژدی هم جای بگیرد. من در یک بازه زمانی طولانی با خانمی آشنا بودم و خیلی اتفاقی متوجه شدم که ایشان در دوره‌های نوازنده بسیار خوبی بودند در حالی که این مسئله را کسی نمی‌دانست بنابراین طی این بازه زمانی و در موقعیت‌های مختلف سوالاتی در این زمینه پرسیدم و برایم بسیار جالب بود که ایشان اصلاً این مسئله را ادامه نمی‌دادند و تمایلی نداشتند که راجع به این مسئله توضیح بدهند. از این پرسش‌ها به قصه‌هایی رسیدم و با توجه به اینکه تمام قصه‌ها این قابلیت را نداشتند که تبدیل به یک فیلم سینمایی شود، آن بخشی که می‌شد را به فیلمنامه تبدیل کردم. البته فیلمنامه نیز در طول دریافت پروانه ساخت و پروانه نمایش تغییراتی کرد و حاصل آن همین فیلمی است که ساخته شد.

نزدیک شدن شما به سوژه به این شکل آیا تحت تاثیر تجربه مستندسازی شماست؟

من کلاً به فضای مستندگونه علاقه‌مند هستم اما اینکه فیلم را هم به همان شکل مستند بسازم چندان علاقه‌ای ندارم. اینکه قصه بر اساس یک استنادی باشد به این دلیل است که فکر می‌کنم مخاطب باید از ابتدا تکلیفش مشخص باشد. یعنی باز همان ابتدا به او بگویی که فضا کاملاً فانتزی و ساختگی است و یا اینکه احساس همزاد پنداری کند و چیزی میانه این دو را اصلاً نمی‌توانم بپذیرم. در واقع اینکه داستانی را بگوئیم که مخاطب در لحظاتی حس کند صرفاً یک فیلم است و در لحظات دیگر حس کند که چقدر می‌تواند با کاراکترها و قصه همزاد پنداری کند برایم قابل قبول نیست. از سوی دیگر پیش از این هم یک کار مستند داستانی در حوزه دفاع مقدس انجام داده بودم و کارهای کوتاه دیگری که ساخته‌ام نیز بر اساس قصه‌های واقعی بودند بنابراین همه این مسائل در نهایت ایده را به سمتی برد که این فیلمنامه را اکران کنم.

فیلمبرداری‌های کار چقدر طول کشید در چه زمانی انجام شد؟

فیلمبرداری‌های کار ۳۱ جلسه طول کشید و شهر یور ۹۹ تمام شد. در واقع ما از همان ابتدای دوره کرونا که هنوز کسی نمی‌دانست با چه مقوله‌ای روبرو است فیلمبرداری‌ها را آغاز کردیم.

این فاصله ایجاد شده بین ساخت و اکران برای تیم شما چگونه گذشت؟

واقعیت ماجرا این است که به نظر من در نهایت لطف خدا بود که فیلم به اکران رسید چون خود من به عنوان سازنده‌اش دیگر وسواس چندانی برای پخشش نداشتم. به هر حال در زمانه‌ای که سر می‌بریم که آثار هنری نیز یک تاریخ مصرفی دارند و هر چقدر هم که عمیق، زیبا و جذاب باشند بیشتر به شکل یک محصول درآمد، محصولی که در یک بازه مشخص به درد می‌خورد. اما خوش شانس این فیلم این است که موضوعش موسیقی است و هنر که هیچ وقت قدیمی نمی‌شود. موسیقی در تمام ادوار تاریخ برای انسان جذاب بوده و همین امر سبب شده تا فیلم همچنان جذاب باقی بماند. اما ما زمانی که این فیلم را می‌ساختیم از تکنیک‌هایی که در آن زمان نوآورانه بود استفاده کردیم. مثلاً آن زمان تازه یک سری نورها و مولفه‌ها وارد سینمای ما شده و کمتر کسی از آنها استفاده کرده بود. ما تمام فیلم را با آن دسته از نورها کار کردیم که مسلماً اگر همان موقع اکران می‌شد